



اظهارات تازه اصغرزاده درباره تسخیر سفارت.

ابراهیم اصغرزاده از طراحان تسخیر سفارت آمریکا در تهران می‌گوید از هیچ تلاشی که در چارچوب منافع ایران، به حل و فصل کدورت میان ایران و آمریکا بر سر ماجرای گروگانگیری بینجامد، فروگذار نمی‌کند، «حتی اگر متضمن عذرخواهی باشد». او همچنین با بیان اینکه درک می‌کند موضوع سفارت برای آمریکایی‌ها همچون یک «کاپوس» بوده، گفته که «با خانواده گروگان‌ها ابراز همدردی می‌کنم.»

به گزارش از سایت تاریخ ایرانی، اصغرزاده این سخنان را در گفت‌وگویی با سایت فارسی بی‌بی‌سی بیان کرده است؛ گفت‌وگویی که به بهانه جنجال بر سر معرفی حمید ابوطالبی، سفیر سابق ایران در ایتالیا، بلژیک و استرالیا به عنوان نماینده ایران در سازمان ملل متحد انجام شده است. اقدامی که بار دیگر داستان کهنه گروگانگیری و تسخیر سفارت آمریکا در تهران را به موضوع داغ رسانه‌ها تبدیل کرده است.

طی هفته‌های اخیر انتشار برخی اخبار مبنی بر اینکه ابوطالبی یکی از نقش‌آفرینان واقعه ۱۳ آبان ۵۸ بوده، باعث شد برخی گروگان‌های سابق آمریکایی از جمله باری روزن و جان لیمبرت، از دولت اوپاما بخواهند از صدور ویزا برای او خودداری کند. گروهی از نمایندگان کنگره این کشور نیز معرفی ابوطالبی را توهین‌آمیز قلمداد کردند. این در حالی است که ابوطالبی پیش‌تر در گفت‌وگو با خبرنگاران اعلام کرده بود تنها به عنوان مترجم، آن هم در مدتی کوتاه با دانشجویان پیرو خط امام ارتباط داشته است.

با این حال به نظر می‌رسد موضوع صدور روایید برای او در حال تبدیل شدن به چالشی تازه در راه دستیابی ایران و آمریکا به روابطی متفاوت با گذشته است و دستیابی به چشم‌اندازی که پس از توافق ژنو روشن‌تر از پیش شده بود را با مانعی تازه مواجه می‌کند.

ابراهیم اصغرزاده در گفت‌وگوی اخیر، این چالش را حاصل بزرگنمایی «تندروها» دانسته و گفته است: «بیش از سه دهه است که گروگانگیری به نظرم به تاریخ سپرده شده و فقط توسط نیروهای تندرو به عنوان ابزاری برای به هم زدن روندهای آشتی به کار گرفته می‌شود.»

او با بیان اینکه «اگر قضیه گروگانگیری هم نبود مطمئنم که نیروهایی در داخل آمریکا و ایران تلاش می‌کردند وضعیت جدیدی را که پیش می‌آید، به هم بزنند»، افزود: «در طول سه دهه گذشته بارها شرایطی پیش آمده که سیاستمدارانی هم از طرف ایران و هم آمریکا تلاش کرده‌اند که رابطه بین دو کشور را بهبود ببخشند اما یک عده این بازی را به هم زده‌اند و تقصیرها را گردن یک حادثه تاریخی انداخته‌اند که بیش از ۳۴ سال پیش رخ داده است.»

اصغرزاده که خود از چهره‌های اصلی واقعه تسخیر سفارت بوده، با بیان اینکه درک می‌کند که در ناخودآگاه آمریکاییان مساله اشغال سفارت مساله‌ای سنگین و همچون یک کابوس بوده، گفت: «این طرف را هم در نظر بگیرید. در ناخودآگاه جمعی ایرانیان، مساله کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دکتر مصدق، دائما با جامعه ماقبل و بعد از انقلاب عجین بوده است. اگر بخواهیم این گذشته را کالبدشکافی کنیم، باید منصفانه به تاریخ نگاه کنیم و قبول کنیم که الان جنگ سرد تمام شده، دنیا عوض شده و خیلی از سیاست‌ها چه در ایران و چه در آمریکا تغییر کرده است.»

او با یادآوری این نکته که «نیروهای مخالف آمریکا در ایران که به اشغال سفارت دست زدند، بعدها موتور محرکه جریان اصلاح‌طلبی در ایران شدند»، تصریح کرد: «من معتقدم هر کاری که برای دفاع از منافع کشورم باشد حتی اگر متضمن عذرخواهی باشد این کار را انجام خواهم داد. قطعاً من ابراز همدردی می‌کنم با خانواده گروگان‌ها ولی می‌خواهم این قضیه دوباره به یک جریان معکوس خودش تبدیل نشود، یعنی باعث تحقیر و سرافکندگی ملت ما نشود. چیزی نشود که دوباره به صورت دیگری تبدیل به یک عقده روانی بشود. این مسائل باید به صورت منطقی حل شود.»

اصغرزاده پیش‌تر نیز در گفت‌وگو با ویژه‌نامه نروزی روزنامه «اعتماد» به بیان برخی ناگفته‌ها درباره ماجرای اشغال سفارت آمریکا در تهران پرداخته بود؛ از جمله اینکه او به عنوان یکی از طراحان اشغال سفارت خود نتوانست در صف اول دانشجویان وارد سفارت شود و پشت درها ماند.

اصغرزاده درباره این واقعه می‌گوید: «ساعت 10:30 صبح در خیابان بهار جمع شدیم. همزمان تظاهراتی در سطح شهر در جریان بود. دانش‌آموزان در تظاهراتی که برپا کرده بودند از خیابان طالقانی به سمت دانشگاه تهران در حرکت بودند. ما هم با آنها پیش آمدیم و جلوی درب سفارت آمریکا، راهمان را از آنها جدا کردیم و متوجه درب اصلی سفارت شدیم. نگهبانان جلوی سفارت که از نیروهای شهرستانی بودند، شوکه شده بودند و فکر می‌کردند کار ما تنها شعار دادن و سپس دور شدن از آنجاست ... ساعت 11 ما دیگر داخل سفارت آمریکا بودیم. در سفارت باز شد و بچه‌ها رفتند داخل. نکته جالب این بود که من، با

اینکه طراح ماجرا بودم، بیرون در ماندم!»

موضوع اطلاع قبلی و بعدی مقامات دولتی از اشغال سفارت، یکی از چالش‌برانگیزترین حقایق پیرامون واقعه ۱۳ آبان است. برخی از دانشجویان گفته‌اند تصویرشان این بوده که امام خمینی از طریق آیت‌الله موسوی خوئینی‌ها از نقشه تسخیر مطلع بوده اما مخالفان می‌گویند سید چپ‌گرایان ضمن همراهی با جوانان پیرو خط امام برای تسخیر سفارت، مسئولان دیگر نظام را در وضعیت کار انجام‌شده قرار داده است. روایت اصغرزاده به گونه‌ای است که نشان می‌دهد هیچ‌کس از این نقشه مطلع نبوده و پس از تسخیر سفارت بوده که به مقامات اطلاع داده شده است.

او می‌گوید در برابر این چالش که آیا امام موافق تسخیر سفارت است یا مخالف، به آیت‌الله موسوی خوئینی‌ها متوسل شده‌اند و او گفته: «بروید بگویند امام موافق است.» اصغرزاده می‌گوید: «ما فکر کردیم ایشان به هر حال امام را از طریق حاج احمدآقا در جریان می‌گذارند ولی نباید این موضوع به دانشجویان علنی گفته شود.»

صبح روز ۱۳ آبان اما تصمیم بر این شد که توسط برخی بزرگان درباره تصمیم دانشجویان اطلاع‌رسانی شود، افرادی همچون آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله منتظری. اما چرا این دو نفر؟ اصغرزاده در توضیح چرایی انتخاب این چهره‌ها می‌گوید: «برای اینکه در آن زمان جلسات خبرگان تدوین قانون اساسی در جریان بود و این دو نفر ریاست خبرگان قانون اساسی را بر عهده داشتند.»

به گفته اصغرزاده آنان این اقدام را به این دلیل انجام دادند که پس از اشغال سفارت، مقامات ارشد نظام موضعی مخالف آنان نگیرند و وقتی رحمان دامن فرستاده دانشجویان موضوع را با بهشتی و منتظری در میان گذاشت، آنان از اقدام دانشجویان استقبال کردند.

اصغرزاده می‌گوید: «واکنش آنها مثبت بود. آنقدر فضا رادیکال و تند بود که این بزرگان از تصمیم ما استقبال کردند. مدت کوتاهی قبل از اقدام ما، تظاهراتی بزرگ در پایتخت علیه مواضع و مداخلات آمریکا انجام شده بود و آیت‌الله منتظری سخنران آن بود.»

در بازخوانی ماجرای تسخیر سفارت آمریکا در تهران جز روابط دیپلماتیک دو کشور که به سردی گرایید، مهم‌ترین قربانی، دولت میانه‌روی مهدی بازرگان بود که کوتاه‌زمانی پس از حمله دانشجویان به سفارت آمریکا استعفای خود را تقدیم امام کرد؛ دولتی که برخی از چهره‌ها و نزدیکان آن در روزهای بعد توسط دانشجویان به جاسوسی و ارتباط نامتعارف با بیگانگان متهم شدند. افشاگری‌ها و انتشار زنجیره‌ای اسنادی که گفته می‌شد در سفارت بر جای مانده و عمدتاً اتهاماتی را به نیروهای ملی نسبت می‌داد، به برنامه ثابت تلویزیون و نشریات نزدیک به نهادهای انقلابی تبدیل شده بود. موضوعی که اصغرزاده اکنون و پس از سه دهه نه تنها از آن دفاع نمی‌کند، بلکه با این استدلال که این «سیاسی‌کاری» علاوه بر

منحرف کردن دانشجویان از مسیر اصلی، کار دیپلماتیک را نیز به بن‌بست کشاند، به نقد آن می‌پردازد. اصغرزاده ضمن مخالفت با تداوم گروگانگیری دیپلمات‌ها به مدت ۴۴۴ روز، در این باره گفته است: «بارها گفته‌ام به نظرم نباید اجازه می‌دادیم آنقدر طول بکشد. یا نباید ما با افشاگری‌ها وارد مجادلات سیاسی داخلی و حذف نیروهای نهضت آزادی می‌شدیم. مردم آمدند، دولت موقت سقوط کرد، دولت آمریکا با دستپاچگی تمام کانال‌های دیپلماتیک را مسدود ساخت و ماجرا طولانی شد و کار گره خورد.»

اصغرزاده امیدوار است دولت حسن روحانی در برنامه تعامل با جهان موفق شود و در این مرحله که آن را نیمه دوم بازی ایران و آمریکا می‌خواند، حتی حاضر است به خاطر اشغال سفارت عذرخواهی کند. اصغرزاده می‌گوید: «بازی ایران و آمریکا، دو نیمه دارد. نیمه اول، خارج کردن ایران از مدار جاذبه آمریکا و بازگرداندن استقلال کشور بود، نیمه دوم هم ایجاد یک رابطه برابر و از موضع حفظ منافع ملی. نیمه دوم بازی حالا با تاخیر 16 ساله شروع شده است.»